

# سیمای جهان تاب

حکمت نامه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام

www.ketab.ir

سید محسن طیب‌نیا

|                     |                                                                                             |
|---------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | طیّب‌نیا، محسن :                                                                            |
| عنوان و پدیدآور     | سیمای جهان‌تاب : حکمت‌نامه امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> / سید محسن طیّب‌نیا      |
| مشخصات نشر          | قم : رسالت، ۱۳۹۳.                                                                           |
| مشخصات ظاهری        | ۷۲۰ ص.                                                                                      |
| شابک                | ISBN : 978 - 964 - 6838 - 62 - 8                                                            |
| وضعیت فهرست نویسی   | فیپا :                                                                                      |
| یادداشت             | کتابنامه : ص ۷۰۳ - ۷۲۰                                                                      |
| موضوع               | علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> ، امام اوّل، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.              |
| موضوع               | علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> ، امام اوّل، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - احادیث.    |
| موضوع               | علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> ، امام اوّل، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نظر صحابه. |
| موضوع               | احادیث شیعه - احادیث اهل سنت.                                                               |
| رده بندی کنگره      | ۱۳۹۳ س ۹ ط ۳۷ / ۳۵ Bp                                                                       |
| رده بندی دیویی      | ۲۹۷ / ۹۵۱ :                                                                                 |
| شماره کتابشناسی ملی | ۳۴۸۳۳۴۹ :                                                                                   |



انتشارات رسالت

سیمای جهان‌تاب

سید محسن طیّب‌نیا

چاپ دوم کتاب (اول با ویرایش جدید) / ۱۳۹۳ / ۱۵۰۰ نسخه / ۷۲۰ صفحه / چاپخانه گل‌وردی

شابک: ۸ - ۶۲ - ۶۸۳۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

تلفن مرکز پخش قم: ۳۷۷۳۵۲۵۶ - ۳۷۸۳۲۳۳۲ (۰۲۵)

• کلیه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ می‌باشد

پست الکترونیکی مؤلف: mohsentayyeb110@gmail.com

## فهرست مطالب

|     |                                                                                                                              |
|-----|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۹   | ستایش نامه                                                                                                                   |
| ۱۹  | مقدمه                                                                                                                        |
| ۲۵  | ارادت نامه                                                                                                                   |
| ۲۹  | حکمت اول: تولد علی <small>علیه السلام</small> در کعبه                                                                        |
| ۳۷  | حکمت نامه‌ی اول: خلقت نوری اهل بیت <small>علیهم السلام</small> قبل از ایجاد عالم                                             |
| ۶۳  | تتمه‌ی حکمت نامه                                                                                                             |
| ۶۸  | نکته فوق العاده مهم                                                                                                          |
| ۷۱  | حکمت دوم: علی <small>علیه السلام</small> سبقت گیرنده در دین خدا                                                              |
| ۸۳  | حکمت نامه‌ی دوم: علی <small>علیه السلام</small> پیشگام در پذیرش اسلام در مصادر اهل سنت                                       |
| ۹۵  | حکمت سوم: معرفی علی <small>علیه السلام</small> در ابتدای رسالت به عنوان خلیفه توسط پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> |
| ۱۰۷ | حکمت نامه‌ی سوم: اعلام جانشینی علی <small>علیه السلام</small> در بدو رسالت از مصادر اهل سنت                                  |
| ۱۱۷ | حکمت چهارم: خاندان علی <small>علیه السلام</small> حجج الهی بر مردمان                                                         |
| ۱۳۵ | حکمت نامه‌ی چهارم: مناقب اهل بیت <small>علیهم السلام</small>                                                                 |
| ۱۶۷ | حکمت پنجم: شعیان علی <small>علیه السلام</small> رستگاران روز قیامت                                                           |
| ۱۷۵ | حکمت نامه‌ی پنجم: مناقب امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> و شیعیان آن حضرت                                              |

- حکمت ششم: فداکاری و جانبازی علی علیه السلام در «ليلة المبيت» ..... ۱۸۷
- حکمت نامه‌ی ششم: علی علیه السلام در ليلة المبيت و مقایسه‌ی آن با همراهی ابوبکر در غار ..... ۱۹۳
- تتمه‌ی حکمت نامه ..... ۱۹۷
- حکمت هفتم: علی علیه السلام برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت ..... ۲۰۱
- حکمت نامه‌ی هفتم: حدیث «طیر» و حدیث «مواخاة» و حدیث «سد الابواب» ..... ۲۰۷
- حکمت هشتم: علی علیه السلام ملازم دائم با حق ..... ۲۱۷
- حکمت نامه‌ی هشتم: حدیث «علی مع الحق» و توضیح آن ..... ۲۲۵
- حکمت نهم: عزت یافتن اسلام به برکت رشادت علی علیه السلام در جنگ بدر ..... ۲۳۱
- حکمت نامه‌ی نهم: سلام فوج فرج ملائکه‌ی الهی قبل از جنگ بدر به امیرمؤمنان علیه السلام ..... ۲۳۵
- حکمت دهم: فرشته‌ترین پیوند عالم، پیوند علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام ..... ۲۳۹
- حکمت نامه‌ی دهم: حادثی در شأن امیرمؤمنان علیه السلام و فاطمه علیها السلام و مهدی علیه السلام ..... ۲۴۳
- حکمت یازدهم: جانفشانی علی علیه السلام در جنگ احد و حیرت جبرائیل علیه السلام ..... ۲۴۷
- حکمت نامه‌ی یازدهم: شجاعت علی علیه السلام در جنگ احد و فرار مدعیان خلافت ..... ۲۵۵
- حکمت دوازدهم: اعتراف خورشید به مقامات علم علیه السلام ..... ۲۵۹
- حکمت نامه‌ی دوازدهم: حدیث «رد الشمس» در نایح اهل سنت ..... ۲۶۳
- حکمت سیزدهم: رشادت علی علیه السلام در جنگ احزاب و حفظ اسلام به برکت آن رشادت ..... ۲۶۹
- حکمت نامه‌ی سیزدهم: ضربت علی علیه السلام بر تراز عبادت انس و جن تا قیامت ..... ۲۷۷
- حکمت چهاردهم: علی علیه السلام قسمت کننده بهشت و جهنم در قیامت ..... ۲۸۱
- حکمت نامه‌ی چهاردهم: حدیث «علی قسیم الجنة والنار» در مصادر اهل سنت ..... ۲۸۵
- حکمت پانزدهم: علی علیه السلام شیر خدا و خیرشکن ..... ۲۹۵
- حکمت نامه‌ی پانزدهم: رشادت علی علیه السلام در فتح خیبر با استنادات اهل سنت ..... ۳۰۱
- حکمت شانزدهم: حدیث منزلت و مقامات علی علیه السلام ..... ۳۰۷
- حکمت نامه‌ی شانزدهم: حدیث «منزلت» و حدیث «ابلاغ سوره‌ی براءت» ..... ۲۱۳
- حکمت هفدهم: غدیر خم و اكمال دین به برکت امارت علی علیه السلام بعد از نبی صلی الله علیه و آله ..... ۳۲۳
- حکمت نامه‌ی هفدهم: اسناد غدیر خم و پاسخ به شبهات مخالفان ..... ۳۳۷

- ۳۴۹..... حکمت هجدهم: علی علیه السلام امیر مؤمنین و صدیق اکبر و فاروق اعظم  
 ۳۵۵..... حکمت نامه‌ی هجدهم: چند واقعه‌ی مهم در جریان غدیر خم  
 ۳۶۱..... تتمه‌ی حکمت نامه  
 ۳۶۵..... حکمت نوزدهم: جان سپردن پیامبر خاتم صلوات الله علیه در آغوش علی علیه السلام  
 ۳۷۵..... حکمت نامه‌ی نوزدهم: اهانت یکی از صحابه به پیامبر صلوات الله علیه هنگام رحلت آن حضرت  
 ۳۸۳..... حکمت بیستم: صبر الهی علی علیه السلام بعد از رحلت رسول خدا صلوات الله علیه در برابر غاصبان خلافت  
 ۴۰۳..... حکمت نامه‌ی بیستم: حمله‌ی دستگاه خلافت به بیت علی علیه السلام و شهادت بانوی دو عالم  
 ۴۱۹..... تتمه‌ی حکمت نامه  
 ۴۲۷..... حکمت بیست و یکم: علی علیه السلام همواره دلسوز و خیرخواه امت  
 ۴۳۷..... حکمت نامه‌ی بیست و یکم: غصب فدک، دلائل صبر امیرمؤمنان علیه السلام  
 ۴۴۷..... تتمه‌ی حکمت نامه: یادداشت علیه السلام  
 ۴۵۱..... حکمت بیست و دوم: علم اولین و آخرین در سینه‌ی علی علیه السلام  
 ۴۵۹..... اما آن یک دلیل  
 ۴۶۳..... حکمت نامه‌ی بیست و دوم: احادیثی در رابطه با عظمت علی علیه السلام امیر مؤمنان و اهل بیت علیهم السلام  
 ۴۷۱..... تتمه‌ی حکمت نامه  
 ۴۷۵..... حکمت بیست و سوم: لزوم اطاعت از علی علیه السلام در کلام خداوند  
 ۴۸۳..... حکمت نامه‌ی بیست و سوم: آیه‌ی «الوال الامر» و «اتما ولیکم الله...» در اثبات امامت  
 حکمت بیست و چهارم: اتمام حجت بر مردمان با پذیرش حکومت توسط علی علیه السلام بعد از قتل  
 ۴۹۷..... خلیفه سوم  
 ۵۰۵..... حکمت نامه‌ی بیست و چهارم: استنادات  
 ۵۰۷..... حکمت بیست و پنجم: نبرد علی علیه السلام با شورشیان پیمان شکن جهت اقامه عدالت  
 ۵۲۳..... حکمت نامه‌ی بیست و پنجم: جنگ جمل و رفتار عایشه با امیرمؤمنان علیه السلام  
 ۵۲۷..... حکمت بیست و ششم: نبرد علی علیه السلام با معاویه برای احیای حق و ابطال باطل  
 ۵۴۹..... حکمت نامه‌ی بیست و ششم: مباحثی در رابطه با جنگ صفین

- حکمت بیست و هفتم: بشارت حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام بر امامت علی علیه السلام ..... ۵۵۳
- حکمت نامه‌ی بیست و هفتم: نام‌گذاری امام حسن و امام حسین علیهما السلام توسط خداوند ..... ۵۶۳
- حکمت بیست و هشتم: نبرد علی علیه السلام با خوارج ..... ۵۶۵
- حکمت نامه‌ی بیست و هشتم: نامه‌ی محمد بن ابی‌بکر به معاویه و جواب معاویه ..... ۵۷۹
- تتمه‌ی حکمت نامه ..... ۵۸۰
- حکمت بیست و نهم: بیان برخی از معجزات و کرامات علی علیه السلام ..... ۵۸۵
- حکمت نامه‌ی بیست و نهم: ذکر برخی از معجزات امیرمؤمنان علیه السلام با اسناد آن ..... ۵۹۹
- تتمه‌ی حکمت نامه ..... ۶۰۳
- حکمت سی‌ام: معارف ناب توحیدی در چشمه‌های جوشان علم علی علیه السلام و خاندان مطهر وی ..... ۶۰۷
- حکمت نامه‌ی سی‌ام: بیان معصومین علیهم السلام در تبیین خداوند با مخلوقات و نقد صوفیه ..... ۶۲۵
- حکمت سی و یکم: زهد و ریاضت علی علیه السلام به دنیا و مظاهر آن ..... ۶۳۱
- حکمت نامه‌ی سی و یکم: استعاره ..... ۶۴۳
- حکمت سی و دوم: پایداری علی علیه السلام تا آخر لحظات زندگانی بر میثاق الهی ..... ۶۴۵
- حکمت نامه‌ی سی و دوم: استنادات ..... ۶۶۱
- حکمت سی و سوم: شهادت علی علیه السلام و تابش سیمای وی تا ابد ..... ۶۶۵
- حکمت نامه‌ی سی و سوم: مرقد مطهر امیرمؤمنان علیه السلام و بروز کرامات ..... ۶۷۹
- تتمه‌ی حکمت نامه: اجتهاد و عدالت صحابه، جنایات خالد بن ولید در قتل عام قوم ..... ۶۸۵
- مالک بن نویره به بهانه‌ی ارتداد ایشان ..... ۶۸۵
- منابع و مأخذ ..... ۷۰۳

### ستایش نامه

ای خدای من، ای خدای جان، و ای خدای جهان! ستایش بی کران مخصوص تو می باشد.  
از عظمت، قدرت و شوکت منبایی و مهربانی تو چه بگویم؛ که هر چه بگویم و  
هر چه دیگر سخنوران بگویند برتر از برالاتراز آنی که می گویم.

ستایش بی منتها مخصوص تو می باشد که الطف و کرمت ما را آفریدی و انواع و  
اقسام نعمت ها را بی منت در اختیارمان قرار دادی.

البته ما بندگان هرگز نمی توانیم شکر و سپاس تو را به جای آوریم، که اگر تمام  
وجودمان دهان شود و دائم روز و شب به ستایش و سپاس تو مشغول گردیم؛ هرگز  
نخواهیم توانست شکر یکی از الطافت را به جای آوریم!

پس ای خدای مهربان! تو خود ما را ببخشای که بندگان ناسپاس و درمانده ایم.  
آری، آری، تو ما را از عدم به صحنه ی گیتی آوردی و فراوان نعمت بخشیدی، در  
حالی که هیچ به ما نیازمند نبودی.

سپاس فراوان و بی کران تو راست که ذره ذره عالم امکان، نشان از قدرت و عظمت  
و پاکی توست. تویی که غنی مطلق و همه خلایق گدایان درگاه تواند.

ابتدای هر کاری به اذن تو و انتهای هر امری به سوی توست. تویی آن خدای یگانه  
بی مثل و نظیر که هیچ شباهتی با مخلوقات خویش نداری.

کران تا کران عالم هستی، ابداع توست، و تمام اشیاء تجلی گاه قدرت توست.  
تویی که حیات می بخشی و می میرانی و می خندانی و می گریانی، و تویی که  
پرنندگان را در هوانگه می داری و دانه را می شکافی و باده را به حرکت در می آوری؛  
و تویی که بعد از ناامیدی، باران رحمت را بر سرزمین های تشنه سرازیر می سازی و  
زمین را با درختان پر ثمر و گل ها و گیاهان خوش بو زینت می دهی.

و تویی که مردگان را - برای برپایی عدالت و مجازات بدکاران و پاداش نیکوکاران -  
از درون قبرها در قیامت کبری زنده می گردانی.

سپاس و ستایش مخصوص توست که تنها قدرتمند عالم هستی و هیچ موجودی  
را توانای ایستادن در مقابل تو نیست و هر قدرتی در مقابل تو زبون است و هر  
عزتمندی در مقابل تو ذلیل!

سراسر عالم امکار در حمد و ستایش توست ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا  
تَقْفَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ﴾؛ (۱) ... و هیچ مرغی نیست مگر اینکه خداوند را حمد و ستایش می کند؛  
ولیکن شما آنان را درک نمی کنید. اگر انسان دل با از زنگار گناه پاک گرداند، آنگاه صدای  
تسبیح موجودات را می شنود، آنگاه می فهمد که صدای آواز پرنندگان، صدای ریزش  
آبشار، صدای وزش باده ها و همه و همه چیزی جز حمد و ستایش تو نیست.  
اگر پرنندگان با بال زدن های ناز و زیباییشان در هوا پرواز می کنند؛ و اگر رودها با  
خروش سرشارشان لحظه ای توقف ندارند، و اگر مرغان سحرگاهان نغمه سرایی  
می کنند، و اگر خورشید فروزان هر صبحگاه با سلامت رخسار زیبا و گرم گونش را  
هویدا می سازد، و اگر زمین و سایر کرات آسمانی در مداری منظم در حرکتند؛  
جملگی به اذن و قدرت توست.

ای خدا! ای خدای مهربان بی مثال! تویی که با الطافت شب و روز را با لطافت  
برای ما تقدیر و منظم نمودی، تا هم زندگی کنیم و از اوقات در شب و روز بهره مند

گردیم، و هم عظمت تو را در این دو پدیده‌ی شگرف مشاهده کنیم و متوجه ذات اقدس لا یزال تو گردیم.

وای بر غافلان! وای بر غافلان! همان غافلانی که با آن همه ادله‌ی قدرت و عظمت تو، از تو روی گردانند. از شگفتی‌های قدرت و عظمت تو در آسمان‌ها چه بگویم؟! که هر آنچه بشر تا کنون کشف نموده و یا با چشم‌های مسلح و تلسکوپ‌های بسیار قوی مشاهده نموده، که آن میلیارد‌ها ستاره و سیاره می‌باشند و برخی از آنها میلیون‌ها بار بزرگتر از زمین است؛ فقط نقطه‌ای از عظمت آفرینش تو را در آسمان معلوم داشته و عقل‌ها و هوش‌ها را ربوده و به تحیر کشانیده!

پس باید گفت «الله اکبر، الله اکبر و لله الحمد» و دیگر دهان را فرو بست و سر بر زمین افکند و های‌های گریست و العفو العفو را بر زبان جاری کرد!

آری، سپاس مخصوصی ترست که رازق بشر و تمام موجوداتی؛ چه بسیار ارزاق پاکیزه را برای بشر خلق نمودی و لذت ببرد و تو را سپاس گوید و بندگی تو کند؛ اما غالب انسان‌ها می‌خورند و لذت می‌برند؛ لیکن سپاسگزار تو نیستند که خود در کلام جاویدت فرمودی ﴿وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ و کسی از بندگان من شکرگزارند.

تو ای خدای سبحان! نیازمند سپاسگزاری و بندگی ما هیچ نیستی؛ لیکن این وظیفه‌ی ما بندگان است در قبال آن همه نعمت‌های فراوان که به ما عطا فرمودی، تو را سپاس گوییم و بندگی کنیم؛ و اما باز هم تو بر ما لطف نمودی و پاداش بی‌کران، برای عبودیت و سپاسگزاری بندگان مقرر فرمودی و آن پاداش بی‌کران، بهشت جاوید و پرواز در ابدیت است.

از ارزاق و نعمت‌های سرشارت سخن گفتم؛ آری، هزاران نوع خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها را برای ما آفریدی تا با اشتها و میلان - بدون اسراف - از پاکیزه‌ها تناول کنیم و لذت شهد و شیرینی و نیز ترشی ارزاق را بر کام خود حس نماییم و بهره‌مند شویم.

چه خوش طعم و چه زیبا! انواع میوه‌ها، سیب‌ها، با طعم و اندازه‌های مختلف،

هم شیرین آن و هم ترش آن، و حیوانات و سبزیجات و انواع لحم پرندگان و حیوانات حلال گوشت و آب شیرین گوارا و اقسام گوناگون نوشیدنی ها، که سرد آن در فصل تابستان گرم، بسیار فرح بخش و گوارا است و گرم آن نوشیدنی در زمستان سرد دلچسب و لذیذ! و تو ای خدای مهربان! با آن همه نعمت و زیبایی هایی را که در دنیا برای بشر خلق نمودی؛ لیکن دنیا را محل بقای ما قرار ندادی و فرمودی: ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾؛ (۱)... آخرت بسی بهتر و پا برجاست، و دنیا را در برابر نعمت های بی منتهای آخرت بسیار ناچیز معرفی نمودی.

بار الها! سپاس سزاوار توست که با الطافت چهار فصل با عظمت و زیبا را برای بشر روی زمین تقدیر نمودی، تا بشر هم از هر فصل بهره مند شود و هم قدرت تو را ببیند و متوجه تو گردد. کوه ها را با صلابت و استوار و با رنگ های گوناگون و زیبا، بر زمین میخکوب کردی. تا بشر از ذخائر و منافع فراوان آن بهره مند گردد. همان کوه های سر به فلک کشیده ای که چشم ها را با صلابتشان خیره می کند؛ لیکن بشر را قدرت داده ای تا بر فراز آن صعود کند و بر بلندای آن تمام قد و استوار بایستد و با صدای بلند بگوید: ای کوه با صلابت! زیر کام نیامی!

آری، تو با لطف و کرمت زمین را مستخر انسان نمودی تا بهره مند شود و چیزی جز عبودیت از او نخواستی که آن هم سودش فقط به خود انسان باز می گردد.

ستایش تو را که هیچ چیز در آسمان ها و زمین از تو پوشیده و مخفی نیست، و علم بی کران تو بر ذره ذره موجودات عالم حاکم است.

آری، تو از همه چیز آگاهی، هم تعداد ستارگان آسمان ها را می دانی، و هم تعداد ریگ های بیابان ها و ماسه های دریاها، و هم تعداد آبزیان اقیانوس ها و هم می دانی در ذهن و قلب هفت میلیارد انسان روی زمین چه می گذرد و چه وسوسه هایی در آن خطوط می کشد که خود در کلام جاویدت فرمودی: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوْشَوْسُ بِهِ

نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿۱﴾... ما آدمی را آفریده ایم و از وسوسه های نفس او آگاه هستیم، زیرا از رگ گردنش به او نزدیک تریم.

بر روی این کره ی خاکی که هر لحظه میلیارد ها میلیارد دانه می شکافد و سر از خاک بر می آورد و می روید، تو می دانی؛ زیرا خالق آن دانه و تمام موجودات عالم تو هستی و چگونه ممکن است از مخلوقات که خود به عرصه ی وجود آورده ای غافل باشی؟! حیات و مرگ به دست توست، و تویی که دائم در حال حیات بخشیدن و میراندنی؛ همان گونه که قدرت و عظمت و ربوبیت تو در حیات بخشیدن به موجودات هویدا است؛ در میراندن موجودات نیز قدرت و عظمت و ربوبیت هویدا است. آری، آری، تو همان زمانی که جان های انسان ها را می ستانی و جمجمه ها و بدن ها را درون قبرها متلاسی می کنی، هزاران انسان دیگر را حیات می بخشی؛ و همان زمان که چشم ها را در حفره تاریک قبرها با خاک پر می کنی و زبان های فصیح را در دهان مردگان خشک و بی حرکت می گردانی؛ همان لحظه هزاران چشم را بینا و هزاران زبان را گویا می گردانی.

و نیز آن گاه که صورت های متکبران را بر زمین می کوبی و آنان را به خاک ذلت می کشانی؛ همان دم هزاران زمین خورده را با دستان مهربانت، دست می گیری و آنان را بلند می کنی و رفعت می دهی.

آری، تویی پروردگار جهانیان و سپاس و ستایش مخصوص توست. تو مهربانی، بزرگی، بزرگواری، صبور و حلیم و باگذشت و توبه پذیری؛ اما عذاب و انتقام تو بر کافران و معاندان و دشمنان نیز بسیار سخت است که خود در کلامت فرمودی:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَلُؤٌ صَادٌ﴾؛ (۲)... حقیقتاً پروردگار تو در کمین گاه کافران و مجرمان است.

خدایا! در اینجا می خواهم ذره ای از الطاف بی کرانت را نسبت به خود بازگو کنم!

۱. سوره ی ق، آیه ی ۱۶.

۲. سوره ی فجر، آیه ی ۱۴.

ای خدای بزرگوار! ای خدای مهربان! تو با الطافت مرا آفریدی و به من اعطای وجود نمودی، در حالی که پیش از آن معدوم و هیچ بودم. از همان ابتدای کودکی سایه مهربانی و لطف را بر سرم گسترانیدی و مرا از بلایا و حوادث و آفت‌ها حفظ نمودی و مرا با نعمت‌های بی‌شمارت به دوران بلوغ رساندی. من در زندگانی خود از تو جز حلم و بردباری و الطاف سرشار و مهربانی چیز دیگری ندیده‌ام.

لیکن هرگاه به خود نگاه می‌کنم شرمسار می‌شوم؛ زیرا هرگز بنده‌ای شکرگزار نبوده‌ام و خود را نمک خورده‌ای می‌دانم که بارها نمکدان را شکسته است! چه بسیار از خطاهای من درگذشتی و آبروی مرا حفظ نمودی و نعمت‌های فراوانت را از من دریغ نفرمودی!

آری، سواره از تو وفا، مهربانی، حلم و بردباری و بخشش، و از من بی‌وفائی و عهد شکنی، بی‌سری و اساک.

اما ای خدای مهربان! ای خدای بردبار! ای خدای آمرزنده! از عمق جان می‌گویم: اگر به خاطر گناهان و خطاهایم به گونه‌ای با صورت بر زمینم زنی که صورتم پایمال قدم‌های دیگران شود، به عزت و جلال کسم، بینشم درباره‌ی تو تغییر نیابد و همان دم با تمام وجود امید آن دارم که تو دستم را بگیری و از زمین بلندم کنی! و اگر چنین نکنی و جان مرا در آن حال بستانی؛ باز هم تو را یگانه آمرزنده و مهربان عالم می‌دانم و سراسر وجودم از امید به آمرزش تو لبریز است که در قیامت مرا پیامرزی و در دوزخ سرنگون نگردانی!

و اگر چنین نکنی و مرا در آتش خشم در قعر دوزخ سرازیر سازی - همان دوزخی که من توان تحمل یک لحظه‌ی بسیار کوتاه آن را ندارم - باز هم تو را با یا غفار و یا ارحم الراحمین می‌ستایم و با همان حالت خواری و ذلت، قلبم متوجه مهربانی و بخشش تو است که مرا از آتش دوزخ آزاد سازی و رفعت دهی!

بار الها! تو خود به لطف و کرم بی‌انتهایت از تقصیرات ما درگذر و ما را پیامرز و توفیق معرفت و بندگی را به ما عنایت بفرما.

و سلام و درود تو بر تمام انبیاء و رُسُل باد، بالأخص سید و سالار ما، محبوب  
 قلوب ما، شفیع ذنوب ما، مولانا و سیدنا ابوالقاسم المصطفی محمد ﷺ، همان  
 محبوبی که در بین مخلوقات بالاترین رتبه را داراست، و هیچ موجودی به مقام و  
 منزلتش نمی رسد. و سلام و درود تو بر خاندان پاک وی - بالأخص دروازه ی علم  
 نبی ﷺ و اولین وصی او، مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام - همان خاندان معصومی که  
 شجره ی طیبه قرآنند و راه هدایت و رستگاری بعد از وجود مقدس پیامبر ﷺ در  
 وجود مبارکشان ساری و جاری گشته و ولایت آنان کشتی نجات بشریت است.

نَقَلَ فِي كِتَابِ لَوْلُو و مرجان در شرط پلهی اول و دوم منبر روضه خوانان لِلْمُحَدِّثِ  
 الثَّوْرِيِّ رَحِمَهُ اللهُ، عَنْ كِتَابِ عَيْنِ الْحَيَاةِ لِلْعَلَامَةِ الْمَجْلِسِيِّ رَحِمَهُ اللهُ، قَالَ: رُويَ فِي بَعْضِ  
 الْكُتُبِ الْمُعْتَبَرَةِ الْإِسْمَاءِ، عَنِ الْإِمَامِ مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ رَحِمَهُ اللهُ، أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ: ذَكَرُوا  
 عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رَحِمَهُ اللهُ عِدَّةً مِنْ عِلْمَاتِ الْمُنَافِقِ أَنْ يَنْتَفِرَ عَنْ ذِكْرِهِ، وَ يَخْتَارَ اسْتِمَاعَ  
 الْقِصَصِ الْكَاذِبَةِ، وَ أَسَاطِيرِ الْمَجُوسِ، عَلَى اسْتِمَاعِ قَضَائِلِهِ. ثُمَّ قَرَأَ ﷺ: ﴿وَ إِذَا ذُكِرَ اللهُ وَخَذَهُ  
 اشْمَازَتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾. (۱) فَسُئِلَ  
 صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ عَنْ تَفْسِيرِهَا، قَالَ: أَمَا تَذَرُونَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ  
 يَقُولُ: «اذْكُرُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رَحِمَهُ اللهُ فِي مَجَالِسِكُمْ فَإِنَّ ذِكْرَهُ ذِكْرِي وَ ذِكْرِي ذِكْرُ اللهِ»؟  
 فَالَّذِينَ اشْمَازَتْ قُلُوبُهُمْ عَنْ ذِكْرِهِ، وَ اسْتَبْشَرُوا مِنْ ذِكْرِ غَيْرِهِ، أُولَئِكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ  
 بِالْآخِرَةِ، وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ.

علامه مجلسی می فرماید در بعض از کتب معتبره شیعه امامیه نقل شده است از امام  
 محمد تقی رَحِمَهُ اللهُ که از جدش رسول خدا ﷺ نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمودند: یاد  
 کردن علی بن ابی طالب رَحِمَهُ اللهُ عبادت است. سپس حضرت باقر رَحِمَهُ اللهُ افزودند: از نشانه های  
 منافق این است که از ذکر خدا بیزار بوده و شنیدن قصه های دروغ و افسانه های مجوسیان  
 را به جای شنیدن فضائل علی بن ابی طالب بر می گزینند.



پس آن حضرت سخن خداوند متعال را بیان فرمود که می فرماید:

منافقان هرگاه یاد خدا را بشنوند قلوبشان مملو از نفرت می شود و آنگاه که یاد غیر از خدا (بتها و طاغوتیان و...) شود دل شاد می گردند.

آنگاه از تفسیر این آیه از حضرت باقر علیه السلام سؤال شد و امام باقر علیه السلام فرمود: مگر غیر از این است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که در مجالستان از علی بن ابی طالب یاد کنید که یاد کردن او یاد کردن من است و یاد کردن من یاد کردن خداست؟

پس کسانی که از یاد و ذکر علی بن ابی طالب علیه السلام متفرند، از یاد و ذکر غیر او شاد می شوند، و هم آنانند که ایمان به آخرت ندارند و برای آنان [در روز قیامت] عذاب خوارکننده می باشد.

www.ketab.ir

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين

والا من على اعدائهم اجمعين ...

در یکی از روزها که مشغول مطالعه نهج البلاغه بودم، به خطبه‌ی ۱۸۲ آن رسیدم؛ یکی از یاران امام علی (علیه السلام) نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سال ۴۰ هجری در اواخر زندگی خود در شهر کوفه بر روی سنگی ایستاد، در حالی که پیراهنی خشن از پشم بر تن، و شمشیری بالیف خرما بر گردن، و کفشی از لیل خرما در پای و بر پیشانی او پینه از کثرت سجود آشکار بود برای مردم خطبه خواند.

در این خطبه‌ی غم بار و سوزناک، امیرمؤمنان (علیه السلام) بعد از ستاین خداوند و بیان معارف توحیدی و سفارش مردم به تقوا، با دلی پر خون از نافرمانی و کوتاهی یاران بی‌وفا در شتافتن به سوی جهاد با معاویه، از یاران با وفای خویش که در جنگ صفین شربت شهادت نوشیدند یاد می‌کند و می‌فرماید:

«... آری! آن دسته از برادرانی که در صفین خونشان ریخت، هیچ زبانی نکرده‌اند؛ گرچه امروز نیستند تا خوراکشان غم و غصه، و نوشیدنی آنها خونابه دل باشد.

به خدا سوگند! آنها خدا را ملاقات کردند، که پاداش آنها را داد و پس از دوران ترس، آنها را در سرای امن خود جایگزین فرمود.

کجا هستند برادران من که بر راه حق رفتند، و با حق درگذشتند؟ کجاست عمار؟ و کجاست پسر تیهان؟ و کجاست ذوالشهادتین؟ و کجايند همانند آنان از برادرانشان که پيمان جانبازی و شهادت بستند، و سرهایشان را برای ستمگران فرستادند؟»

راوی سپس می گوید که آنگاه امیر مؤمنان علیه السلام دست به محاسن مبارک گرفت و زمانی طولانی گریست و فرمود:

«دریغا! از برادرانم که قرآن را خواندند، و بر اساس آن قضاوت کردند، در واجبات الهی اندیشه کرده و آنها را برپا داشتند، سنت های الهی را زنده و بدعت ها را نابود کردند، دعوت جهاد را پذیرفته و به رهبر خود اطمینان داشته و از او پیروی کردند».

سپس امیر مؤمنان علیه السلام با صدای بلند به مردم فرمود:

«جهاد! جهاد! بندگان خدا! من امروز لشکر آماده می کنم، کسی که می خواهد به سوی خدا رود همراه ما خارج شود».

در ادامه ی خطبه مرحوم سید رضی رحمته الله علیه (مؤلف نهج البلاغه) می نویسد:

نوف بکالی (از یاران امام علیه السلام) گفت: برای حسین علیه السلام ده هزار سپاه، و برای قیس بن سعد ده هزار سپاه، و برای ابویوسف خالد بن سعد ده هزار سپاه قرار داد، و برای دیگر فرماندهان نیز سپاهی تعیین کرده و آماده بازگشت به صفین بود که قبل از جمعه، ابن ملجم ملعون به امام ضریب زد، و لشکریان به خانه ها بازگشتند و ما چون گوسفندانی بودیم که شبان خود را از دست داده، گرگ ها از هر سو برای آنان دهان گشوده بودند.

این کلام حزن ناک - که مظلومیت امیر مؤمنان علیه السلام را در اوج اقتدار خویش بیان می دارد - در وجودم چنان تاثیر گذاشت که بی اختیار از چشمانم قطراتی اشک بر صفحه ی کاغذ فرو ریخت!

تصمیم گرفتم برای آرامش دل خود، چند صفحه با مخاطب ساختن امیر مؤمنان علیه السلام، مطلب بنویسم و مظلومیت آن حضرت را بازگو نمایم.

آری خواستم با امیر مؤمنان علیه السلام نجوا کنم و بگویم:

یا مولا! اگر مردمان عصر تو، تو را رها کردند و قدر تو را شناختند؛ لیکن اکنون در سراسر جهان عاشقانی داری که خاک پای تو را با شوق سرمه‌ی دیدگان خود می‌کنند؛ و خواستم بگویم:

یا امیر مؤمنان! تمام ما و دودمانمان فدای تو باد! تو که اول مسلم و پیشگام در جهاد و تمام ارزش‌های والای الهی بودی، تو که برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و باب علم و حکمت او و خلیفه‌ی برحق او بودی؛ اما مردمان با تو بد رفتار نمودند....

چند روز این جملات فکرم را مشغول داشته بود و می‌اندیشیدم که این چند صفحه درد دل با امیر مؤمنان علیه السلام را چگونه بنویسم و از کجا شروع کنم!

در همین گیر و دار بارقه‌ای به ذهنم خطور کرد که زندگانی امیر مؤمنان علیه السلام را از ابتدای ولادت تا زمان شهادت، به صورت مخاطب ساختن آن حضرت به رشته تحریر درآورم؛ بنابراین تصمیم گرفتم که روی این موضوع بیشتر فکر کنم و بهتر جوانب گوناگون این کار را در نظر آورم.

روزهای متوالی سپری می‌گشت و من فکرم مدام مشغول طراحی این مجموعه بود. با وجود این که عزم راسخ جهت نوشتن مجموعه داشتم؛ لیکن در چند مورد به شدت عزم سست گردید و اراده‌ام متزلزل گشت!! و علت این بود که به خود نهیب می‌زدم: تو کجا و بیان مناقب و فضائل مولا علی علیه السلام کجا!! تو شخص حقیر و کوچک مگر کیستی که می‌خواهی از مناقب امیر مؤمنان علیه السلام دم بزنی؟! این کار را رها کن و پارا از گلیم خود فراتر نگذار!!

به گونه‌ای این وسوس بر من هجوم آورده بود که در بعضی اوقات با قاطعیت تصمیم می‌گرفتم که نوشتن مجموعه فوق را فراموش کنم؛ اما به دنبال آن وسوس، ندایی از درون دل به گوشم می‌رسید که مدام می‌گفت: ای فلانی، بنویس! بنویس، هر چند حقیری! بنویس، هر چند کوچکی! بنویس، هر چند پُرخطایی!

بالآخره ندای دل بر وسوس غالب آمد و بعد از چندین هفته اندیشیدن روی



مجموعه‌ی فوق، در شامگاهی بسم الله را گفتم و قلمم را به حرکت در آوردم.

در ابتدا کار به کُندی و سختی فراوانی پیش می‌رفت؛ اما بعد از دو سه هفته، فرجی حاصل شد و به لطف خدا کار کم کم سرعت گرفت، تا آنجا که روزی چند صفحه به نگارش در می‌آوردم. کار را هر روز تا پاسی از شب ادامه می‌دادم و در برخی ایام تا پانزده ساعت پشت میز تحریر مشغول مطالعه و نوشتن بودم. آن مدت زمانی را که برای نوشتن مجموعه‌ی فوق در نظر گرفته بودم حدود یکسال بود؛ اما به لطف خدا مجموعه را کمتر از چهار ماه - که هرگز باور نمی‌کردم - به پایان رساندم. در این مدت چهار ماه که تقریباً تمام کارهای دیگر را تعطیل نموده بودم به چند صد منابع تاریخی و روایی مراجعه نمودم و از آن کتب در به تحریر در آوردم کتاب فوق، بهره‌ها گرفتم. امیدوارم که خداوند تعالی و حبیب او رسول خدا ﷺ، این کار کوچک را از این حقیر سراپا تقصیر ببخشد.

در اینجا برای آشنایی بهتر خوانندگان ارجمند به این کتاب، برخی از ویژگی‌های آن را ذکر می‌کنم:

۱- بیان یک دوره زندگانی امیرمؤمنان علیه السلام به صورت نیمه ادبی و در قالب مخاطب ساختن وجود مقدس آن حضرت.

۲- به کارگیری گسترده از بیان ذوقی و احساسی و استفاده از صناعات ادبی به صورت نسبتاً محاوره‌ای.

۳- بیان مناقب امیرمؤمنان علیه السلام با استفاده مکرر به منابع مشهور اهل تسنن و سپس تشیع. (شاید بتوان گفت که تقریباً کلیات تمام مناقبی را که اهل تسنن و تشیع درباره‌ی امیرمؤمنان علیه السلام نقل نموده‌اند در مجموعه‌ی فوق آمده است).

۴- استناد مکرر به تواریخ قدیمی و معتبر اسلامی و بیان نکات دقیق و جالب آن.

۵- تبیین مقام والای امامت و پاسخ به برخی از شبهات مخالفان.

۶- مطرح نمودن بسیاری از مطالب متنوع و خواندنی در حکمت نامه‌ها.

۷- استدلال بر آیات و روایات در اثبات حقانیت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام.

۸- اشاراتی به مباحث توحید و خداشناسی از لسان مبارک امیرمؤمنان علیه السلام و بیان برخی از دیدگاه‌های انحرافی در عرصه‌ی خداشناسی.

۹- آشنا شدن خوانندگان محترم - با مطالعه‌ی مجموعه‌ی فوق - به چند صد منبع تاریخی و حدیثی.

۱۰- بیان گوشه‌هایی مهم از تاریخ زندگانی پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در خلال مباحث. از خوانندگان محترم تقاضا می‌نمایم که این مجموعه را از ابتدا تا انتهای آن مطالعه نمایند تا این شاء الله نافع گردد.

در پایان از جناب حجت الاسلام علی عزیزپوریان و جناب حجت الاسلام علی صالح که این حقیر را در تمام دهی منابع و مصادر یاری رساندند و نیز جناب آقای محمد جواد اسلامی، مدیر مسئول انتشارات رسالت، که مجموعه‌ی فوق را با زحمات فراوان و به نحو احسن آماده نمودند، کمال تشکر و امتنان را می‌نمایم.